

شاعران و تتبع قصیده‌ی دندانیه‌ی رودکی

دکتر احد پیشگر

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا

چکیده

استقبال و تتبع در لغت به معنی پیش آمدن، روی آوردن و پیش رفتن و پیش‌واز کردن و به دنبال رفتن است و در اصطلاح ادب آن است که گفته‌ی یکی از استادان سخن را سرمشق قرار بدهند و به همان وزن و قافیه شعر بسازند. استقبال در قالبهای غزل و قصیده معمول است. در استقبال محدود بودن شاعر دوم به وزن و قافیه‌ی مشخص، اغلب باعث تقلید و تکرار مضمون‌های شاعر اول می‌شود. از این جهت شعرهایی از این نوع معمولاً ارزش چندانی ندارند، اما اگر شاعر بتواند با وجود پای‌بند بودن به وزن و قافیه‌ی شاعر قبلی، مضمون‌های تازه‌ای بیافریند و ویژگی شعر خود را بر آن ببخشد، در کار خود موفق است.

در این تحقیق، یکی از قصاید مشهور رودکی با مطلع:

مرابسود و فرور بخت هر چه دندان بود نبود دندان لابل چراغ تابان بود
از جهت تتبع و استقبال در آثار شاعران پس از وی به دقت پی‌گیری شده است. اشتهار قصیده‌ی رودکی در ادب فارسی باعث شده است که شعر او مورد استقبال شاعران قرار گیرد. گستره‌ی زمانی این تحقیق از قرن چهارم هجری آغاز و به دوره‌ی معاصر منتهی می‌شود.

واژگان کلیدی: شعر فارسی، رودکی، قصیده‌ی دندانیه، استقبال، تتبع.

۱- مقدمه

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی در نیمه‌ی دوم قرن سوم هجری در قریه‌ی «بَنج» از قراء رودک سمرقند به دنیا آمد و بنا بر نقل عوفی: «چنان ذکی و تیز فهم بود که در هشت سالگی قرآن تمامت حفظ کرد و قرائت پیاموخت و شعرگفتن گرفت و معانی دقیق می‌گفت چنان که خلق بر وی اقبال نمودند و رغبت او زیادت شد.» (صفا، ج ۱، ۳۷۲: ۱۳۷۱)

رودکی در ادبیات فارسی، اگر نه به لحاظ ترتیب تاریخی، اما از جهت کمیت و میزان تنوع آثار پدید آورده‌ی خویش، نقطه‌ی آغازین شعر فارسی به طور جدی تلقی شده و با لقبی هم‌چون «ادم الشعرا» از او یاد می‌شود. در مورد تخلص شاعر به رودکی نظرات مختلفی بیان شده است از جمله: «وجه تخلص رودکی گویند بدان جهت است که رودکی را در علم موسیقی مهارتی تمام بوده و بربط را نیکو نواختی و بعضی گویند که رودکی موضعی است از اعمال بخارا و رودکی از آن جاست.» (دولت‌شاه سمرقندی، ۵۶: ۱۳۸۵) شاعران در آثار خود او را استاد شاعران و سلطان شاعران خوانده‌اند، چنان که معروفی بلخی گفته است:

کاندر جهان به کس مگرو جز به فاطمی
(رودکی، نقل از: مدبری، ۱۴۵: ۱۳۷۰)

از رودکی شنیدم سلطان شاعران

یا:

صدیک از وی تویی کسایی؟ پرگست!
هم بشوی کوبشد چه خایی برغست؟
وین تن پیخسته را به قهر بیخست
(کسایی، ۱۰۰: ۱۳۷۳)

رودکی، استاد شاعران جهان بود
خاک کف پای رودکی، نسزی تو
کوفته را کوفتند و سوخته را سوخت

رودکی به کثرت شعر معروف است و رشیدی سمرقندی شاعر قرن ششم درباره‌ی تعداد اشعار رودکی می‌گوید:

رودکی را بر سران شاعران زبیدسری
هم فزون آید اگر چونان که باید بشمری

گر سری یابد به عالم کس به نیکو شاعری
شعرا بر شمردم سیصد و ده هزار

و عوفی نیز یادآور شده است که شعر رودکی در صد دفتر گردآوری شده بود. (ر.ک. عوفی، ج ۲، ص ۷: ۱۳۸۹) اما مرحوم فروزان فر در کتاب **سخن و سخنوران** می‌نویسد: «این مقدار شعر به مبالغه نزدیک تر است تا به واقع و اکنون از این ابیات جز مقدار کمی به جا مانده و مابقی دست‌خوش حوادث گردیده است.» (فروزان فر، ۱۹: ۱۳۶۹)

رودکی در انواع سخن استاد بود و قصیده و قطعه و غزل و رباعی را نیکو سروده است

و طبق نوشته‌ی شمس قیس رازی در **المعجم ابداع رباعی** از رودکی است. (ر.ک. شمس قیس رازی، ۱۱۹: ۱۳۷۳)

زبان شعری رودکی بسیار ساده و روان است و در مورد مضامین شعری رودکی باید گفت: «رودکی در همه‌ی مضامین شعری متداول روزگار خود طبع آزمایی کرده و از آن‌ها سربلند بیرون آمده است. مهم‌ترین مضمون را در اشعار رودکی مدح تشکیل می‌دهد و مشهورترین و بلندترین مدایح او قصیده‌ی «مادر می» نام دارد. از دیگر مضمون‌های اشعار رودکی می‌توان به مراثی، مهاجرات، غزلیات، خم‌ریات، تشبیهات، مناظر طبیعی، امثال و معارف و حکم اشاره کرد. قصیده‌ی معروف «پیری» رودکی که در میان سروده‌های کامل شاعر، دومین شعر طولانی او محسوب می‌شود، خاطرات شیرین گذشته‌ی وی را به کمک تشبیهات و استعاره‌های زیبا و بدیع بر پرده‌ی شعر کشیده است.» (رادفر، ۱۳: ۱۳۸۶)

رودکی از آرایه‌ها و صنایع بدیعی هم در اشعار خود بهره برده است و از میان صنایع لفظی، موازنه و ترصیع و انواع جناس و از بین صنایع معنوی، مراعات نظیر و تضاد و سیاقه الاعداد و تنسیق الصفات و تصدیر بیش از صنایع دیگر است:

شاید که مرد پیر بدین گه شود جوان
گیتی بدیل یافت شباب از پی مشیب
(رودکی، ۱۶: ۱۳۸۷)

در بیت فوق مابین کلمات «پیر-جوان» آرایه‌ی تضاد و مابین کلمات «شباب- مشیب» آرایه‌ی جناس شبه اشتقاق است.

یا ابیات زیر که در آن‌ها آرایه‌ی مراعات نظیر و هم‌چنین در بیت دوم آرایه‌ی موازنه به کار رفته است:

بلبل همی‌بخواند بر شاخسار بید
صلصل به سرو بن بر با نغمه‌ی کهن
سار از درخت سرو مرو را شده مجیب
بلبل به شاخ گل بر بالحنک‌غریب
(همان: ۱۷)

یا ابیات زیر که در آن‌ها آرایه‌ی تصدیر هست:

شاد بوده‌ست از این جهان هرگز
داد دیده‌ست از او به هیچ سبب
هیچ کس تا از او تو باشی شاد
هیچ فرزانه تا تو بینی داد
(همان: ۲۲)

یا بیت زیر که در آن آرایه‌ی سیاقه الاعداد هست:

باز تو بی رنج باش و جان تو خرّم
با نی و با رود و با نبیذ فنا روز
(همان: ۳۹)

یا بیت زیر که در آن آرایه‌ی تنسیق الصفات هست:

جامه‌ی زرّین و فرش‌های نو آیین
شهره ریاحین و تخت‌های فراوان

(همان: ۴۵)

از میان صور خیال نیز، رودکی از تشبیه بیش از بقیه استفاده می‌کند و به مدد آن احساسات خود را به دیگران انتقال می‌دهد؛ از جمله:

لاله میان کشت بخندد همی ز دور چون پنجه‌ی عروس به حناشده خضیب

(همان: ۱۷)

یا:

آن صحن چمن که از دم دی اکنون ز بهار مانوی طبع
گفتی دم گرگ یا پلنگ است بر نقش و نگار همچو ژنگ است
کاین نیل نشیمن نهنگ است بر کشتی عمر تکیه کم کن

(همان: ۲۰)

ذکر این نکته ضروری است که بیش‌ترین تشبیهات رودکی حسی هستند.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- نفوذ ادبی رودکی:

نفوذ ادبی و شعری رودکی باعث شده است که بسیاری از شاعران در آثار خود ابیاتی از او را به صورت تضمین بیاورند، یا اشعاری بر وزن و قافیه و مضمون شعر او بسرایند، از جمله:

یک بیت شعر یاد کنم من که رودکی «جز برتری ندانی گویی که آتشی
گرچه تو را نگفت سزاوار آن توی جز راستی نجویی مانا ترازوی»

(فرّخی سیستانی: ۴۰۱:۱۳۶۳، ابیات ۳-۱۱۶۲)

بیت دوم شعر فوق از رودکی است که در صفحه‌ی ۹۳ دیوان در شماره‌ی ۱۹۸ مربوط به ابیات پراکنده‌ی رودکی آمده است.

یا قصیده‌ی ۳۰ بیتی خاقانی با مطلع:

جام می تا خط بغداد ده ای یار مرا باز هم در خط بغداد فکن بار مرا

(خاقانی، ۳۹: ۱۳۶۸)

که آن را در بازگشت از سفر حج سروده است در جایی که خطاب به کسی است که ظاهراً در صدد قتل وی بوده و عیاری را به کشتن وی برانگیخته است، یک مصراع از رودکی را تضمین کرده است:

کس به عیار فرستادی و گفتی که به سَرّ خون بریزد به سر خنجر خون خوار مرا

«کس فرستاد به سَرّ اندر عیار مرا»

(همان، ۴۱-۴۰)

مصراع دوم بیت دوم از رودکی است:

کس فرستاد به سرّ اندر عیّار مرا
وین فژه پیر ز بهر تو مرا خول گرفت

که مکن یاد به شعر اندر بسیار مرا
براهاناد از او ایزد جبّار مرا

(رودکی، ۱۵: ۱۳۸۷)

یکی دیگر از اشعار رودکی که مورد تتبع و استقبال شاعران واقع شده است، قصیده‌ای است ۳۳ بیتی با مطلع:

مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
نبود دندان لابل چراغ تابان بود

(همان: ۲۸)

وزن قصیده: «مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فع لان» و بحر شعری آن «مجتث مثنّ

مخبون اصلم مسبغ» است.

در قصیده‌ی فوق که به راستی، می‌توان آن را با الشکوی شاعر نامید، ابتدا رودکی، دوران پیری خود را، یعنی شرایطی را که به هنگام سرودن شعر در آن قرار دارد، وصف می‌کند و سپس با رجوعی به گذشته -یا به قول هنرمندان سینما، با نوعی فلاش بک- زندگی خود را مرور می‌کند؛ از جوانی و زیبایی‌های خویش، ماجراجویی‌های بل‌هوسانه و طبع زاینده‌ی شاعرانه‌اش سخن می‌گوید، به شادمانگی‌ها و موفقیت‌ها و شهرتش و به گشت و گذارهای هنرمندانه‌اش اشاره می‌کند و نهایتاً به صلّه و انعام یافتنش از آل سامان و جزئیات آن می‌پردازد و ناگهان با فرود از آن اوج، در نهایت ایجاز با یک بیت، تصویری روشن از پریشانی خود ارائه می‌دهد:

کنون زمانه دگر گشت و من دگر گشتم
عصا بیار، که وقت عصا و انبان بود

(همان، ۳۱، ب ۳۳)

شهرت قصیده‌ی فوق در ادب فارسی باعث شده است که بعضی از شاعران، اشعاری بر وزن و قافیه‌ی آن بسرایند و در ضمن اشعار خود، پاره‌ای از مضامین و ترکیبات قصیده‌ی رودکی را بیاورند و یا ابیات و مصراع‌هایی از آن را تضمین کنند.

۲-۲-۲- موارد تتبع شاعران از قصیده‌ی دندانیه‌ی رودکی:

۲-۲-۱- کسای مروز (۳۴۱-۳۹۱ ق.) شعری دارد که یک بیت آن در دیوان او آمده است:

به وقت دولت سامانیان و بلعمیان
چنین نبود جهان با نهاد و سامان بود

(کسای، ۷۷: ۱۳۷۳)

بیت فوق حاکی از این است که کسای شعری بر وزن و قافیه و مضمون قصیده‌ی

رودکی داشته است، حتی احتمالاً بیت فوق هم‌مضمون با بیت زیر از رودکی است:
که را بزرگی و نعمت ز این و آن بودی مرا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود
(رودکی، ۳۱: ۱۳۸۷، ب ۲۹)

۲-۲-۲- میرنقی بن الحسین الحسنی کاشانی متخلص به عندلیب کاشانی از شاعران دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار غزلی ۸ بیتی بر وزن و قافیه و مضمون قصیده‌ی رودکی دارد با مطلع:

گذشت آن که تو را چهر مهر تابان بود گذشت این که مرادل چو ذره رقصان بود
(عندلیب کاشانی، ۹۰: ۱۳۶۳)
عندلیب کاشانی بعضی از مضامین و ترکیبات شعری قصیده‌ی رودکی را در شعر خود آورده است؛ از جمله بیت مطلع او که هم مضمون با بیت زیر از رودکی است:
شد آن زمانه که رویش بسان دیبا بود شد آن زمانه که مویش بسان قطران بود
(رودکی، ۲۹: ۱۳۸۷)

یا ابیات زیر:

گذشت آن که ز زلف و رخ تو در همه شهر میان خلق همی بحث کفر و ایمان بود
گذشت آن که به بستان حسن سرو قدت ز ناز بر سر دل هر طرف خرامان بود
(عندلیب کاشانی، ۹۰: ۱۳۶۳)

که هم‌مضمون با بیت زیر از رودکی است:

بسا نگار که حیران بُدی بدو در چشم به روی او در چشمش همیشه حیران بود
(رودکی، ۲۹: ۱۳۸۷)

۲-۲-۳- رضا قلی‌خان هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ ق.) قصیده‌ای ۱۳ بیتی دارد با مطلع:
به گاه خردی کاغاز عهد خاقان بود مرا ولادت در مرز ری به تهران بود
(هدایت، ۱۸۱۹: ۱۳۸۲)

شاعر در قصیده‌ی خود علاوه بر این که از وزن و قافیه‌ی قصیده‌ی رودکی تبعیت کرده، بعضی از مضامین شعری و ترکیبات خود را نیز از قصیده‌ی رودکی گرفته است؛ از جمله:
فزونم از همه حالات بود حالت عشق هوای فطری نی از هوای خذلان بود
به خم زلف چو چوگان دل بران پیوست دلم تپنده چو گویی به خم چوگان بود
همیشه میلیم با زلف‌کان ژولیده همواره عشقم بر چشم‌کان فشان بود
(همان، ۱۸۱۹)

ابیات بالا هم‌مضمون با ابیات زیر از قصیده‌ی رودکی است:

همی چه دانی ای ماه‌روی مشکین موی که حال بنده از این پیش بر چه سامان

بود

به زلف چوگان نازش همی کنی تو بدو دیدی آن گه او را که زلف چوگان بود
(رودکی، ۲۹: ۱۳۸۷)

۲-۲-۴- سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ق.) قصیده‌ای ۲۱ بیتی در مدح محمدخان
امیر نظام دارد با مطلع:

مرا به خانه دو بت روی نار پستان بود روی هر دو مرا چون شکفته بستان بود
(سروش اصفهانی، ۱۶۳: ۱۳۴۰)

سروش اصفهانی در قصیده‌ی خود روزگار جوانی خود را که در وطنش اصفهان به
خوشی و شادکامی و کامرانی می‌گذشته است و خود دارای صورتی زیبا و طره‌ای مشکین
و دل‌ریا بوده و به حسن دل‌فریب، عاشقان دل‌باخته را صید می‌کرده، و پیش از سن بلوغ
اشعار نغمه‌می‌ساخته است یاد می‌کند. وی در قصیده‌ی خود پاره‌ای از ترکیبات و مضامین
شعری رودکی را آورده است؛ از جمله:

ز کین کیهان شد باژگونه ایوانشان ز کینه‌توزی تا بود کار کیهان بود
ز گشت کیوان لا بد پدرم دهقان گشت که این نتیجه مرا و از گشت کیوان بود
(همان، ۱۶۳)

ابیات بالا هم‌مضمون با ابیات زیر از رودکی است:

یکی نماند کنون زان همه بسود و بریخت چه نحس بود همانا که نحس کیوان بود
نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز چه بود، منت بگویم قضای یزدان بود
(رودکی، ۲۸: ۱۳۸۷)

۲-۲-۵- محمد تقی بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰ ش.) قصیده‌ای ۵۲ بیتی دارد با مطلع:

به کام من یک چند گشت کیهان بود که با زمانه مرا عهد بود و پیمان بود
(بهار، ۵۱: ۱۳۷۸)

بهار قصیده‌ی خود را در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در سن ۲۰ سالگی، به یاد مرگ پدر
و تأسّف از فقدان و شکایت از نیرنگ حسودان، به اقتفای قصیده‌ی رودکی سروده است و
در آن بسیاری از مضامین و ترکیبات قصیده‌ی رودکی را آورده است و حتی مصراع‌هایی
از شعر او را در قصیده‌ی خود تضمین کرده است:

بدان طریق بگفتم من این چکامه که گفت: «مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود»
چنان فرزونی زان یلغت رودکی به سخن کز آل سلمان کارش همه به سلمان بود
حدیث نعمت خود زان گروه کرد و بگفت: «مرا بزرگی و نعمت ز آل سلمان بود»
کنون بزرگی و نعمت مرا ز خدمت توست اگر فلان رانعمت ز خوان بهمان بود
(همان، ۵۳)

۲-۲-۶- نقی برزگر (ولادت ۱۲۸۱ ش) شعری ۱۰ بیتی در وزن و قافیه‌ی قصیده‌ی

رودکی با عنوان «درد دندان» دارد با مطلع:

ز دیرگاه مرادردناک دندان بود
که دردناک مرا خاطر از غم آن بود
(بزرگر، نقل از: دیهیم، ج ۳، ۱۶۲: ۱۳۶۸)
۲-۲-۷- محمود منشی کاشانی فرزند حسین علی منشی کاشانی قصیده‌ای ۴۶ بیتی
دارد با مطلع:

خوش آن زمانه که زیب زمانه کاشان بود
خوش آن که کاشان، چشم و چراغ ایران بود
(منشی کاشانی، نقل از: مدرّس زاده، ۲۵: ۱۳۸۶)
شاعر در قصیده‌ی فوق علاوه بر آوردن بعضی مضامین و ترکیبات قصیده‌ی رودکی،
حتّی دو مصراع شعر رودکی را به صورت تضمین آورده است:
کنون به تضمین، آن به که وصف حال کنم
«عصا بیار، که وقت عصا و انبان بود»
(همان، ۲۸)
که مصراع دوم بیت فوق، تضمینی از مصراع دوم بیت ۳۳ قصیده‌ی رودکی است. یا
بیت زیر:

بدان طریق بنا کرد این قصیده که گفت:
«مرابسود و فروریخت هر چه دندان بود»
(همان، ص ۲۸)

که مصراع دوم بیت فوق، تضمینی از مصراع اول بیت مطلع قصیده‌ی رودکی است.
۲-۲-۸- حجت الاسلام حاج شیخ عبدالله مدرّس (تولد ۱۳۰۶ ش) قصیده‌ای ۱۲۱ بیتی
با عنوان «ایران» بر وزن و قافیه‌ی قصیده‌ی رودکی سروده است با مطلع:

خوشم که مسقط رأسم به ملک ایران بود
چه مسقطی که پدید آور دلیران بود
(مدرّس، ۴۲۹: ۱۳۸۷)

شاعر در قصیده‌ی خود بعضی از مضامین و ترکیبات قصیده‌ی دندانیه‌ی رودکی را
آورده است و حتی مصراع اول شعر رودکی را به صورت تضمین آورده است:

نشسته مهر وطن بر دلم اگر چه کنون
«مرابسود و فروریخت هر چه دندان بود»
(همان، ۴۴۳)

شایان ذکر است که شاعر در بیت آخر قصیده‌ی فوق، مصراع اول بیت مطلع محمود
منشی کاشانی را به صورت تضمین آورده است:

به یاد گفته‌ی منشی گریستم که بگفت:
«خوش آن زمانه که زیب زمانه کاشان بود»
(همان، ۴۴۳)

۲-۲-۹- علی حریرچی (تولد ۱۳۱۱ ش) متخلّص به بی‌نام تبریزی به مناسبت جشن
رودکی شعری ۱۴ بیتی بر وزن و قافیه‌ی قصیده‌ی رودکی سروده است با مطلع:

خوش آن دمی که مرامهر دوست بر جان بود
خوش آن دلی که به آهنگ عشق لرزان بود

(همان، ۱۷۹)

بی‌نام تبریزی در شعر خود پاره‌ای از ترکیبات و مضامین شعری رودکی را آورده

است.

۲-۱۰-۲- ابراهیم صهبا از شاعران و سخن‌وران معاصر در مرثیه‌ی ملک الشعرا بهار شعری ۱۴ بیتی بر وزن و قافیه‌ی قصیده‌ی رودکی سروده است با مطلع:

ملک که پادشه شاعران ایران بود یگانه گوهر گنجینه‌ی خراسان بود

(بهار، ۱۰۸۹: ۱۳۷۸)

۲-۱۱-۲- دکتر سیروس شمیسا قصیده‌ای ۳۱ بیتی در وصف گیلان دارد با مطلع:

خوش آن زمان که مرا زادو بود گیلان بود و گیل و گیلان چشم و چراغ ایران بود

(شمیسا، ۳۳۹: ۱۳۸۷)

شاعر در شعر خود در دو جا شعر رودکی را تضمین کرده است:

ز بیت‌ها که مرا هیچ‌گه زرفته ز یاد «مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود»

(همان، ۳۴۱)

و مورد زیر:

هزار سال از این بیت بی‌بدیل گشت نبود بیت همانا بدیل قرآن بود

«کنون زمنه دگر گشت و من دگر گشتم عصا بیار که وقت عصا و انبان بود»

(همان، ۳۴۱)

۳- نتیجه‌گیری

ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی به دلیل دارا بودن هنرهای مختلف از قبیل تسلط و چیرگی در انواع سخن، حافظ قرآن بودن، سهولت الفاظ و معانی، قریحه‌ی شعری والا، چیرگی در همه‌ی مضامین شعری، تسلط و مهارت در هنر موسیقی و بربط نوازی، خوانندگی و نوازندگی و ... در نزد شاعران معاصر و پس از خود مورد تکریم و تجلیل قرار گرفته است، به گونه‌ای که بسیاری از شاعران به خاطر نفوذ ادبی والای اشعار او، در صدد استقبال و تتبع اشعار وی برآمده‌اند. و این تتبع از سوی شاعران به دو صورت بوده است: یا ابیاتی از رودکی را به صورت تضمین در اشعار خود آورده‌اند و یا اشعاری بر وزن و قافیه و مضمون شعر او سروده‌اند و به استادی او اعتراف کرده‌اند.

نگاهی به عصر حیات، نوع و قالب شعری و تعداد آثار متبّعین، بیان‌گر این مورد است که بیش‌ترین تتبع از قصیده‌ی دندانی‌ی رودکی ۹ مورد در قالب قصیده و کم‌ترین آن ۲ مورد در قالب غزل بوده است. هم‌چنین مشاهده‌ی آثار متبّعین گویای این مطلب است

که بیش‌ترین تنوع به ترتیب در قرن چهاردهم (۷ مورد)، سیزدهم (۳ مورد) و چهارم (۱ مورد) بوده است.

از فحوای این استقبال‌ها می‌توان نتیجه گرفت که:

۱-۳- رعایت موضوع شعر یعنی بث الشکوی و از گذشته یاد کردن در استقبال‌ها از محورهای اصلی شعرها به شمار می‌رود.

۲-۳- از سبک شناسی قافیه‌ها می‌توان دریافت که در هر دوره قافیه‌هایی افزوده و قافیه‌هایی کاسته شده است. مثلاً قافیه‌ی «پستان» به دلیل مسایل اخلاقی و قافیه‌ی «آل سامان» به دلیل عدم تناسب تاریخی و «انبان» به دلیل عدم کاربرد واقعی در زندگی شاعر، کم‌تر مورد توجه واقع شده‌اند.

۳-۳- گذشت زمان و تغییر زمانه در شعر شاعران استقبال‌کننده به خوبی آشکار می‌کند که از قرن چهارم تا قرن چهاردهم چه نوآوری‌ها و دگرگونی‌هایی به شعر راه یافته است. ۴-۳- برای شاعران استقبال‌کننده، از دندان سخن گفتن و فرا رسیدن پیری و شعر سرودن مستقیماً مطرح نیست، بلکه مرثیه سرایی (صهبا برای بهار) از سرزمین مادری یاد کردن (منشی کاشانی و شمیسا) و از افتخارات ملی سخن گفتن (مدرس زاده) دلایل قوی برای این استقبال تواند بود.

۳-۵- با آن که این شعر رودکی معروف است اما به دلیل عدم رواج دیوان رودکی در جامعه‌ی ما، می‌توان حدس زد که فراوانی قافیه‌های این قصیده و همانندهای آن هم دلیلی دیگر بر انگیزه‌ی استقبال است چنان‌که یکی از استقبال‌ها تا ۱۲۱ بیت هم به درازا کشیده است.

۳-۶- پس از رودکی هیچ کدام از استقبال‌ها جز استقبال دکتر شمیسا به تعداد ابیات قصیده رودکی نیست که احتمالاً به حساب او تعداد دندان‌ها نه ۳۲ بلکه ۳۱ عدد بوده که تعداد ابیات هم همین است. این همانندی ابیات دقت دکتر شمیسا به عنوان استاد ادبیات را نشان می‌دهد.

منابع

- ۱- بهار، محمد تقی. (۱۳۷۸). **دیوان اشعار**، چاپ اول، تهران: نشر سمیر.
- ۲- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی نجار. (۱۳۶۸). **دیوان**، به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات زوآر.
- ۳- دولت‌شاه سمرقندی. (۱۳۸۵). **تذکره الشعراء**، مقدمه، تصحیح و توضیح دکتر فاطمه علاقه، چاپ اول، تهران: پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ۴- دیهیم، محمد. (۱۳۶۸). **تذکره‌ی شعرای آذربایجان**، چاپ اول، تبریز: چاپ آذربادگان.
- ۵- رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). **کتاب‌شناسی آثار رودکی**، چاپ اول، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- ۶- رودکی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار**، تصحیح دکتر نصرالله امامی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی.
- ۷- سروش اصفهانی. (۱۳۴۰). **دیوان**، با مقدمه‌ی استاد جلال الدین همایی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۸- شمس الدین محمد بن قیس الرازی. (۱۳۷۳). **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، به کوشش دکتر سیروس شمیسا، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوس.
- ۹- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). «قصیده به افتخای رودکی» نقل از: بخارا، شماره ۶۶، مرداد و شهریور ۸۷.
- ۱۰- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۱). **تاریخ ادبیات در ایران**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۱۱- عندلیب کاشانی. (۱۳۶۳). **دیوان**، چاپ اول، تهران: انتشارات فروغی.
- ۱۲- عوفی، سدیدالدین محمد. (۱۳۸۹). **لباب الباب**، تصحیح ادوارد براون و مقدمه‌ی محمد قزوینی، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
- ۱۳- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۹). **سخن و سخنوران**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۴- کسایی مروزی. (۱۳۷۳). **دیوان اشعار**، به کوشش دکتر محمد امین ریاحی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۵- مدبری، محمود. (۱۳۷۰). **شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان**، چاپ اول، تهران: نشر پانوس.
- ۱۶- مدرّس زاده، عبدالرضا. (۱۳۸۶). **فارسی همگانی**، چاپ هفتم، قم: مؤسسه‌ی مطبوعات دینی.
- ۱۷- مدرّس، عبدالله. (۱۳۸۷). **مجمع الاشعار**، مقدمه، توضیح و تصحیح دکتر عبدالرضا مدرّس زاده، چاپ اول، قم: مؤسسه‌ی مطبوعات دینی.
- ۱۸- میرصادقی، میمنت. (۱۳۸۵). **واژه‌نامه‌ی هنر شاعری**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مهناز.
- ۱۹- هدایت، رضاقلیخان. (۱۳۸۲). **مجمع الفصحاء**، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.

Poets and Their Imitation of Roodaki's Ode on Teeth

Ahad Pishgar, Ph. D.

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Astara Branch, Iran

Abstract

In Persian, Esteghbal (imitation) originally means to welcome, to turn to, and to follow. In Persian literature, however; it refers to following a great poet's words and to compose a poem with the same meter and rhyme used in his works. It is common in Persian sonnets and odes. In imitation, a poet limits himself to and closely follows the specific meter and rhyme used by another poet. As such, imitation often leads to the repetition of the contents and themes developed by the first or original poet, hence; resulting in the composition of poems which are not of great value. However, the poet imitating the meter and rhyme employed by another one; will undoubtedly be successful if he can create new contents and themes and can present his own poetic imagery.

A famous ode by Roodaki, was analyzed in the present study. Indeed, the imitations of this ode were investigated. The English translation of the first couplet of his ode; is as follows: All my teeth were decayed and taken out Not teeth, but shining light they were The fame of Roodaki's ode in Persian literature has made other poets imitate and follow his works. The time range of the sample poems studied in the current paper; is from the fourth up to the present century.

Key Words: Persian Poetry, Roodaki, Ode on Teeth, Esteghbal (Imitation)